

پرده کی تاریخ چہلم آیت — عدد تئیس

خ لورم حزقیال

Jeff Pippenger

2026-08-09

حزقیال به عنوان «نبی ماتم» شناخته می شود، زیرا او نمادی از آن یکصد و چهل و چهار هزار تن است که در فصل نهم کتاب او، برای رجاسات به جا آورده شده در سرزمین و در کلیسا ماتم می کنند (آه می کشند و فریاد برمی آورند). در بخشی از کتاب «شهادت ها» که در مقاله پیشین نقل کردیم، خواهر وایت نوشت: «خود نبی نیز در سرزمینی بیگانه، غریبی بود، جایی که جاه طلبی بی حد و قساوت و حشیانه به طور کامل حکم فرما بود. آنچه او از استبداد و ستم انسانی می دید و می شنید، جان او را به اندوه می آورد، و او شب و روز به تلخی ماتم می کرد.»

یک صد و چهل و چهار هزار نفر همان «رانندگان اسرائیل» هستند که پراکنده شدند، چنان که به واسطه به اسارت برده شدن حزقیال به تصویر کشیده شده است. فرایند مهر شدن که در حزقیال ۹ بازنمایی شده، همان فرایندی است که در مکاشفه ۷ آمده است، و هر دوی آن فصل ها به منزله وقایعی در ایام آخر به تصویر کشیده شده اند.

"این مهر کردن بندگان خدا همان چیزی است که در رؤیا به حزقیال نشان داده شد. "Testimonies to Ministers, 445

از تخت، خدا کروبیان را هدایت می کند و آنان نیز به نوبه خود چرخ ها را اداره می کنند. حزقیال می بایست از رؤیا درمی یافت که خدا زمام امور را در دست دارد، حتی در دوره ای که همه چیز در آشفتگی می نمود. خواهر وایت پس از بیان ساختار حکومت خدا بر تخت، که کروبیان اداره کننده امور زمین را هدایت می کند، و همان گونه که یوحنا را در قدس توصیف می کند، جایی که مسیح در میان هفت کلیسا گام برمی داشت، می گوید: «به همین سان». حزقیال و یوحنا نماد کسانی هستند که در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار زندگی می کنند؛ همانانی که، چنان که الهام ثبت کرده است، «صحنه هایی که قرار است در جهان ما به وقوع پیوندد، هنوز حتی به خواب و خیال کسی نیز نیامده است.»

یقیناً هنگامی که خواهر وایت آن سخنان را نگاشت، آن سخنان درست بودند؛ اما در زمان مهرگذاری، کمال تحقق خود را می یابند. حدود بیست سال پیش، آیا می پنداشتید که آنچه اکنون در جهان در حال وقوع است، همراه با هجوم انبوه ملخ های اسلام، رخ دهد؟ ملخ ها، به عنوان نمادی از اسلام در باب نهم مکاشفه، مهاجرت طبیعی ملخ های شمال آفریقا را نیز در بر می گیرد. مسیر مهاجرت آن ملخ های مهاجم آفریقا با جغرافیایی که اسلام آن را به تصرف درآورد، هم راستا است. اسلام از نسل اسماعیل است، و مادر اسماعیل هاجر بود. هاجر به معنای «گریز» یا «فرار کردن» است. در عربی، این نام معمولاً به صورت Hajar (هاجر) آورده می شود، و با همان ریشه ای مرتبط است که واژه Hijra (هجرت/گریز محمد) از آن به دست می آید. ریشه های اسلام نه تنها با هجوم انبوه ملخ ها پیوند دارد، بلکه این ریشه ها معنای مهاجرت را نیز در بر می گیرد. آیا هیچ کس هرگز تصور می کرد که مهاجرت غیرقانونی جلوه ای از ملخ اسلام باشد؟

آیا کسی در خواب می دید که کمونیست های جهانی با انبوه لشکریان اسلام پیمان اتحاد ببندند؟ هم اسلام و هم قدرت ازدهای جهانی گرایان، به ترتیب در مکاشفه ۹ و ۱۱، از هاویه برمی آیند، و هاویه نمایانگر ظهوری از قدرت شیطانی است. هر دو این متحدان کنونی، بر وفق کتب حق، ابزارهای

شیطان اند.

«وقتی شهادت خود را به پایان رسانند [در حال به پایان رساندن آن باشند].» دوره‌ای که در آن دو شاهد می‌بایست در پلاس نبوت کنند، در سال 1798 به پایان رسید. هنگامی که به پایان کار خود در گمنامی نزدیک می‌شدند، می‌بایست به وسیله قدرتی که به عنوان «آن وحشی که از هاویه برمی‌آید» معرفی شده است، بر ضد ایشان جنگی برپا شود. در بسیاری از ملت‌های اروپا، قدرت‌هایی که در کلیسا و دولت فرمان می‌راندند، طی قرن‌ها از طریق دستگاه پاپی، زیر کنترل شیطان بوده‌اند. اما در اینجا جلوه‌ای تازه از قدرت شیطانی به معرض دید آورده می‌شود.» جدال عظیم، 268.

هنا تُحدِّد الأخت وايت ظهورَ الاشتراكية في فترة الثورة الفرنسية، مع ملاحظتها أيضاً أن الشيطان يسيطر كذلك على السلطة البابوية. والسلطة البابوية أيضاً تخرج من الهاوية في الأصحاح السابع عشر من سفر الرؤيا، وفي الأصحاح التاسع من سفر الرؤيا يكون الإسلام هو الدخان الذي صعد من الهاوية. وتبقى النقطة قائمة؛ فهل قصد الوحي حقاً: «إن المشاهد التي ستجرى في عالمنا لم تحلم بها بعد حتى؟» من الذي كان يتصور أن الإسلام سينتشر الآن في أنحاء أوروبا ثم ينحدر الآن إلى الأمريكتين؟ وهل كنت تتصور أن الجراد سينتشر في أرجاء العالم على يد العولميين في الأمم المتحدة، والاتحاد الأوروبي، والحزب الديمقراطي في الولايات المتحدة؟

چه کسی تصور می‌کرد که نهادهای آموزشی به دست ائتلاف کمونیستی و اسلامی مغلوب شوند؛ ائتلافی که اکنون با دلارهای مالیاتی شهروندانی تأمین مالی می‌شود که هرگز قصد نداشتند مالیاتشان برای نابودی همان کشوری به کار گرفته شود که این دلارهای مالیاتی را فراهم می‌آورد.

چه کسی تصور می‌کرد که بریتانیای کبیر در برابر تجاوز گروهی، آدم‌ربایی، زندانی کردن و به‌قتل‌رساندن دختران سفیدپوست به دست اسلام، موضعی حمایتی و تأییدکننده اختیار کند؟ بسیاری بر این واقعیت انگشت می‌گذارند که هر نظام کمونیستی‌ای که در سراسر تاریخ بشر پدید آمده است، به‌طور کامل شکست خورده است؛ اما ثمره سوسیالیسم بریتانیا نیز به همان اندازه محکومیتی علیه سوسیالیسم است که ناکامی فلسفه‌های اقتصادی و سیاسی آن نظام.

چه کسی تصور می‌کرد که به بازرگانان زمین اجازه داده شود تا سمومی را وارد کنند و بدین‌وسیله قتل‌عامی گسترده با بیش از هفده میلیون قربانی را به انجام رسانند؟

چه کسی گمان می‌برد که به مردانی چون جورج سوروس، بیل گیتس و آنتونی فائوچی اجازه داده شود اعمال شیطانی و شریرانه خود را بی‌هیچ پیامدی مطلق به انجام رسانند؟

यह उन्होंने तब, जाएगा किया नहीं वचिार भी में स्वप्न उनका, होंगे घटति दृश्य जो ककिहा ने व्हाइट ससि्टर जब चेतावनी की मसीह में चौबीस मत्ती वह कही। में संदर्भ के समय के मुद्रांकन के हजार चवालीस लाख एक बात अपनी हमें है। लएि के लाभ हमारे शकिषाएँ ये, "लखिा उन्होंने जहाँ, थी रही कर अनुसरण का टपिपणयिों अपनी पर की प्राणों के मनुष्यों जो है समय ऐसा सामने हमारे ठीक क्योंकि, चाहिए रखना स्थरि पर परमेश्वर को आस्था पहले से आगमन दूसरे उनके जो किया वर्णन का न्यायो भयानक उन, पर पर्वत के जैतून, ने मसीह लेगा। परीक्षा "थे। वाले होने

درس‌هایی که او به‌تازگی به آن‌ها اشاره کرده بود، همان تمثیل‌های حزقیال و یوحنا در قدس بود که می‌آموختند دریابند خدا بر همه‌چیز حاکم است. در میان آشوب و طغیانی که اکنون در جریان است، آشوب و طغیانی که تنها هرچه تاریخ به پیش می‌رود فزونی خواهد یافت، آنان که پیام‌آوران خدا هستند - چنان‌که نه تنها حزقیال و یوحنا در هیکل، بلکه نیز اشعیا، نمودار آن‌اند - تنها در صورتی تاریخ را به‌گونه‌ای خواهند پیمود که خداوند را جلال دهد، که دریابند حتی اموری که هرگز به خواب و خیال

ما نیز نمی‌آمد، همچنان تحت اقتدار خداست.

ان چرخ‌هایی که با چرخ‌های دیگر تقاطع دارند، شامل رویدادهایی هستند که هرگز در خواب نیز دیده نشده بودند، و این‌ها همان رویدادهایی‌اند که در زمان مهر شدن، که از 9/11 آغاز شد، به وقوع می‌پیوندند. درس‌هایی که باید آموخته شوند، تنها به وسیله کسانی آموخته می‌شوند که به ایمان به قدس‌الاقداص داخل می‌شوند و مسیح و نور او را می‌بینند که از تابوت عهد می‌درخشد. هنگامی که آن جلال، آن گونه که به وسیله دانیال در فصل دهم به تصویر کشیده شده است، مشاهده می‌شود، آن گروهی که از نور بهره‌مند می‌شوند، از کسانی که از رؤیا گریختند، جدا می‌گردند.

اور میس، دانی ایل، اکیلا ہی اُس رؤیا کو دیکھا؛ کیونکہ جو آدمی میرے ساتھ تھے انہوں نے اُس رؤیا کو نہ دیکھا، لیکن ایک بڑی کپکپی آن پر طاری ہو گئی، یہاں تک کہ وہ اپنے آپ کو چھپانے کے لیے بھاگ گئے۔ دانی ایل 10:7.

از بخشی که در مقاله پیشین آمد، مطالب بسیار بیشتری می‌توان استخراج کرد؛ اما در پایان این مقاله، به یک چرخ خواهیم پرداخت. در مقاله گذشته، به نمادپردازی عدد بیست و پنج اشاره کردیم و پیش از آن نیز مدتی را صرف عدد سی نمودیم. نوری که از کتاب حزقیال می‌تابد، صرفاً اعداد نمادین نیست؛ با این همه، شایسته است که نخست با برخی از آن نمادهای عددی آشنا شویم، پیش از آنکه به روشن ساختن این آشفتگی بپردازیم.

هفده

سه نبوت دویست و پنجاه ساله، دوره‌ای هفده ساله را مشخص می‌کنند که در پایان تاریخ کلیسای اسمیرنا آغاز می‌شود. از سال ۳۱۳ تا ۳۳۰، هفده سال، نمونه‌ای از برپا شدن تصویر وحش را مجسم می‌سازد.

دویست و پنجاه سالی که در ۴۵۷ پیش از میلاد آغاز شد، در ۲۰۷ پیش از میلاد، ده سال پس از نبرد رافیا و هفت سال پیش از نبرد پانیوم، به پایان رسید. از رافیا تا پانیوم هفده سال بود، و این نمایانگر تاریخ پنهان آیه چهل است، چنان‌که در آیات یازده تا پانزده دانیال یازده بیان شده است.

بطلمیوس چهارم فیلوپاتور (که با نام بطلمیوس چهارم نیز شناخته می‌شود) فرمانروایی بود که در سال ۲۱۷ پیش از میلاد در نبرد رفح پیروز شد. او از سال ۲۲۱ پیش از میلاد تا ۲۰۴ پیش از میلاد به عنوان پادشاه (و فرعون) مصر بطلمیوسی سلطنت کرد؛ از این رو، هفده سال سلطنت نمود. او سلطنت خود را پیش از نبرد رفح آغاز کرد، اما پیش از نبرد پانیوم درگذشت.

نبرد رافیا، که نمایانگر جنگ اوکراین است، در سال ۲۰۴ آغاز شد، هنگامی که ایالات متحده در اوکراین یک انقلاب رنگی را پدید آورد. بطلمیوس چهارم، پادشاه جنوب، نمونه ولادیمیر پوتین است که سلطنت خود را در سال ۲۰۰۰ آغاز کرد، یعنی یک سال پیش از آن‌که مهر و موم شدن صد و چهل و چهار هزار در سال ۲۰۰۱ آغاز شود. همان‌گونه که در مورد بطلمیوس بود، پوتین نیز پیش از جنگ اوکراین، که با نبرد رافیا و آغاز آن در سال ۲۰۱۴ نمادین شده است، به سلطنت رسید. پیش از پانیوم، پوتین، چنان‌که به وسیله بطلمیوس نمونه‌سازی شده است، برکنار می‌شود. پوتین سلطنت خود را در سال ۲۰۰۰ آغاز کرد، و بدین سان با آغاز زمان مهر و موم شدن که در سال بعد، یعنی ۲۰۰۱، شروع شد، هم‌راستا می‌گردد. هفده سال نمادین، چنان‌که به وسیله بطلمیوس نمایان شده است، دوره‌ای را مشخص می‌سازد که پوتین در آن سلطنت می‌کند، و او این کار را در طول زمان مهر و موم شدن انجام می‌دهد.

ٹرمپ، جس کی نمائندگی 457 قبل مسیح میں شروع ہونے والے دو سو پچاس برسوں کے اختتام سے ہوتی ہے، اسی مخفی تاریخ میں واقع ہے جس میں پیوٹن واقع ہے؛ ایک ایسی تاریخ جو رافیہ کی جنگ سے شروع ہو کر سترہ برس پر مشتمل ہے۔ اژدہا (پیوٹن) اور جھوٹا نبی (ٹرمپ) اس مخفی تاریخ کے اندر واقع ہیں۔ اسی تاریخ میں وہ حیوان، جس کی نمائندگی ”تیرے لوگوں کے لٹیروں“ کے طور پر کی گئی ہے اور جو پاپائی اقتدار کی علامت ہے، رافیہ سے پانیئم تک کے سترہ برسوں کے اختتام پر واقع ہے۔

سال ۳۲۱ نمایانگر قانون یکشنبہ در ایالات متحدہ است، و ۳۲۱ در درون یک دورہ ہفدہ سالہ، از فرمان میلان در ۳۱۳ تا تقسیم امپراتوری در ۳۳۰، قرار دارد۔

تاریخی کہ از آنچہ «فصح عظیم یوشیا» نامیدہ می شود بازنمایی شدہ است، ہفدہمین چرخہ یوبیل یہودیہ را آغاز می کند۔ از فصح یوشیا، کہ بزرگترین احیای عہد عتیق است، تا ۲۲ اکتبر، تاریخ میلری را از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بازنمایی می کند؛ اما مهم تر از آن، تاریخ ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبہ را بازنمایی می نماید۔ زمان مہر شدن یکصد و چہل و چہار ہزار تن، بہ وسیلہ ہفدہمین چرخہ یوبیل از یوشیا تا ۲۲ اکتبر بازنمایی شدہ است۔ عدد ہفدہ نمادی است کہ با رویدادہای عمدہ زمان مہر شدن مرتبط است، و عدد ہفدہ نقطہای است کہ در آن چرخہای حزقیال با یکدیگر تلاقی می کنند۔

در تاریخ پنہان آبیہ چہل دانیال، چنان کہ در آیات دہ تا پانزدہ ہمان فصل بازنمایی شدہ است، اژدہا بہ واسطہ سلطنت بطلمیوس با عدد «17» مرتبط است۔ تاریخ از نبرد رافیا در آبیہ یازدہ تا نبرد رافیا در آبیہ پانزدہ، «17» سال است۔ آن تاریخ، دونالد ترامپ را در میانہ آن ہفدہ سالی قرار می دہد کہ آن دو نبرد نمایانگر آن ہستند۔ تصویر وحش کہ بہ وسیلہ ترامپ در ایالات متحدہ شکل دادہ شدہ و برپا می گردد، با «17» سال از 313 تا 330 نشان دادہ می شود۔ در آبیہ یک فصل یک، حزقیال در سال سیام ہفدہمین چرخہ یوبیل است۔ آیا ہرگز در خیال آورده بودید کہ عدد ہفدہ نمایانگر یکی از چرخہایی باشد کہ حزقیال در قدس الاقداس دید؟

حزقیئیل نماد کسانی است کہ در زمان مہرگذاری، بہ وسیلہ ایمان بہ قدس الاقداس وارد شدہ اند۔ آنان کاهنان پطرس اند۔

شما نیز، چون سنگ های زندہ، بہ صورت خانہای روحانی و کہانتی مقدس بنا می شوید تا قربانی های روحانی را کہ بہ واسطہ عیسی مسیح نزد خدا مقبول است، تقدیم کنید۔ اول پطرس ۲:۵۔

آنان مأمور شدہ اند پیامی را بہ قوم عہد پیشین خدا ابلاغ کنند؛ قومی کہ در آن ہنگام از کنارشان گذشتہ می شود؛ با آنکہ از پیش ہشدار دادہ شدہ اند، قوم عہد پیشین خدا نہ خواہد دید و نہ خواہد شنید۔

و بہ من گفت: ای پسر انسان، شکمت را بخوران و اندرون تو را از این طوماری کہ بہ تو می دہم پر ساز۔ پس آن را خوردم، و در دہانم از شیرینی ہمچون عسل بود۔ و بہ من گفت: ای پسر انسان، برخیز، نزد خاندان اسرائیل برو و سخنان مرا بہ ایشان بگو۔ زیرا تو نزد قومی با زبان بیگانہ و گفتاری دشوار فرستادہ نشدہ ای، بلکہ نزد خاندان اسرائیل؛ نہ نزد قومہای بسیار با زبان بیگانہ و گفتاری دشوار کہ سخنان ایشان را نتوانی فہمید۔ یقیناً اگر تو را نزد آنان فرستادہ بودم، بہ تو گوش می دادند۔ لیکن خاندان اسرائیل بہ تو گوش نخواہند داد، زیرا بہ من گوش نمی دہند؛ چون تمامی خاندان اسرائیل گستاخ روی و سخت دل اند۔ اینک من روی تو را در برابر روی های ایشان استوار ساختم، و پیشانی تو را در برابر پیشانی های ایشان استوار گردانیدہ ام۔ پیشانی تو را چون الماس، سخت تر از سنگ خارا ساختم؛ از ایشان مترس و از چہرہ های ایشان ہراسان مشو، ہرچند ایشان خاندان فتنہ جو باشند۔ حزقیال ۳:۱-۹

حزقیال مأمور است پیامی را به قوم پیشین عهد اعلام کند؛ قومی که در تاریخ میلری به وسیلهٔ پروتستان‌ها و در ایام آخر به وسیلهٔ کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم نمایانده می‌شوند. اگر او از اعلام این پیام خودداری کند، خون آنان که بی‌هشدار باقی مانده‌اند بر گردن او خواهد بود.

اے فرزند آدم، میں نے تجھے اسرائیل کے گھرانے کے لیے نگہبان مقرر کیا ہے؛ پس تو میرے منہ سے کلام سن، اور میری طرف سے انہیں آگاہ کر۔ جب میں شریر سے کہوں، تو یقیناً مرے گا؛ اور تو اُسے آگاہ نہ کرے، نہ شریر کو اُس کی شریر راہ سے باز آنے کے لیے تنبیہ کرے تاکہ اُس کی جان بچ جائے؛ تو وہی شریر شخص اپنی بدکرداری میں مرے گا، لیکن اُس کا خون میں تیرے ہاتھ سے طلب کروں گا۔ لیکن اگر تو شریر کو آگاہ کرے، اور وہ اپنی شرارت سے، اور اپنی شریر راہ سے باز نہ آئے، تو وہ اپنی بدکرداری میں مرے گا؛ مگر تو نے اپنی جان بچا لی۔ پھر اگر کوئی راستباز اپنی راستبازی سے پھر جائے، اور بدکرداری کرے، اور میں اُس کے آگے ٹھوکر کا سبب رکھوں، تو وہ مرے گا؛ چونکہ تو نے اُسے آگاہ نہیں کیا، وہ اپنے گناہ میں مرے گا، اور اُس کی وہ راستبازیاں جو اُس نے کی تھیں یاد نہ کی جائیں گی؛ لیکن اُس کا خون میں تیرے ہاتھ سے طلب کروں گا۔ تاہم اگر تو اُس راستباز کو آگاہ کرے کہ راستباز گناہ نہ کرے، اور وہ گناہ نہ کرے، تو وہ یقیناً زندہ رہے گا، کیونکہ اُسے آگاہ کیا گیا؛ اور تو نے بھی اپنی جان بچا لی۔ حزقی ایل 17:3-21.

در یازده فصل نخست حزقیال، ویرانی اورشلیم به او نشان داده می‌شود که به وسیلهٔ رؤیاها در کنار نهر خابور، دشت و اورشلیم به تصویر کشیده شده است. او مأمور می‌شود که هشدار داوری قریب‌الوقوع بر اورشلیم را اعلام کند. پیام هشدار داوری قریب‌الوقوع بر اورشلیم، همان هشدار است که نخست به کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست‌های روز هفتم داده شده است. این هشدار، داوری و طرد قوم خدا را در اورشلیم، که مہر خدا را ندارند، مشخص می‌سازد. هشدار که حزقیال نمونه آن بود، هشدار قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع است.

در آن یازده فصل نخست که این حقایق در آن‌ها بیان شده است، حزقیال لال گردانیده می‌شود، و از آن پس تنها زمانی سخن می‌گوید که خدا به‌طور خاص دهان او را بگشاید؛ و این وضعیت تا زمان ویرانی اورشلیم ادامه می‌یابد، آنگاه که او بار دیگر می‌تواند سخن بگوید.

پس روح در من داخل شد و مرا بر پاهایم برپا داشت، و با من سخن گفت و به من فرمود: «برو و خویشتن را در اندرون خانه‌ات محبوس کن. اما تو، ای پسر انسان، اینک بر تو بندها خواهند نهاد و تو را با آنها خواهند بست، و در میان ایشان بیرون نخواهی رفت. و من زبانت را به کام دهانت خواهم چسبانید، تا گنگ شوی و برای ایشان تویخ‌کننده نباشی؛ زیرا که ایشان خاندان یاغی‌اند. اما چون با تو سخن گویم، دهانت را خواهم گشود، و به ایشان خواهی گفت: خداوند یهوه چنین می‌فرماید؛ هر که می‌شنود، بشنود؛ و هر که بازمی‌ایستد، بازایستد؛ زیرا که ایشان خاندان یاغی‌اند.» حزقیال ۳:۲۴-۲۷.

وقتی اورشلیم سقوط کرد، حزقیال بار دیگر توانست سخن بگوید.

و چنین واقع شد که در سال دوازدهم اسارت ما، در ماه دهم، در روز پنجم ماه، یکی که از اورشلیم گریخته بود نزد من آمد و گفت: شهر فروافتاده است. و دست خداوند در شامگاه، پیش از آنکه آن گریخته آمده برسد، بر من بود؛ و دهانم را گشوده بود، تا آنگاه که بامدادان نزد من آمد؛ و دهانم گشوده شد، و دیگر لال نبودم. حزقیال ۳۳:۲۱، ۲۲.

سقوط اورشلیم، نمودار سقوط کلیسای لائودیکیه‌ای ادونتیست روز هفتم در ایام آخر است. آن سقوط در حالی رخ می‌دهد که کسانی که در فصل نهم در اورشلیم مہر شده بودند، آنگاه به‌عنوان کلیسای ظافر برکشیده می‌شوند. لائودیکیه‌ای‌های درون اورشلیم بیرون گرفته می‌شوند، و صد و چهل و چهار هزار تن برکشیده می‌شوند، آنگاه که ملکوت جلال برقرار می‌گردد. آن ملکوت جلال به وسیله برپایی

ملکوت فیض بر صلیب بہ طور نمونہ پیش نمایی شدہ بود۔ ملکوت فیض بر صلیب با ملکوت جلال در قانون یکشنبہ منطبق است، و این دو ملکوت در توالی تاریخ نبوی مذکور در کتاب حزقیال قرار دادہ شدہ اند۔ یازدہ فصل نخست، ہنگامی کہ حزقیال در چارچوب مقدس قرار دادہ می شود، دربارہ تطہیر کلیسای خداست، آنگاہ کہ قوم او از کلیسای مجاہد، کہ چنین تعریف می شود کہ از گندم و گرسس تشکیل شدہ است، بہ کلیسای ظافر تبدیل می شوند، کہ از ہدیہ گندمی پنتیکااست تشکیل شدہ است۔

اور تُو اے اسرائیل کے ناپاک شریر شہزادے، جس کا دن آ پہنچا ہے، جب بدکرداری کا انجام ہوگا، خداوند خدا یوں فرماتا ہے: عمامہ اتار دے اور تاج اُتار رکھ؛ یہ حال اب ایک سا نہ رہے گا؛ جو پست ہے اسے سرفراز کیا جائے، اور جو بلند ہے اسے پست کیا جائے۔ میں اسے اُلٹ دوں گا، اُلٹ دوں گا، اُلٹ دوں گا؛ اور وہ نہ رہے گا، جب تک وہ نہ آئے جس کا حق ہے؛ اور میں اسے اُسی کو دوں گا۔ حزقی ایل 27-21:25۔

صدقیاہ یہوداہ کا آخری بادشاہ تھا، اور انہی آیات میں وہی "اسرائیل کا شریر رئیس، جس کا دن آ پہنچا ہے" ہے۔ نبوکدنصر یروشلم پر قبضہ کرنے والا تھا اور صدقیاہ کا تاج بابل کے وسیلہ سے اُتار لیا جانا تھا؛ پھر بابل مادیوں اور فارسیوں کے ہاتھوں اُلٹ دیا جانا تھا، پھر انہیں یونانیوں کے ہاتھوں، اور پھر یونانیوں کو روم کے ہاتھوں اُلٹ دیا جانا تھا۔ تیسری اُلٹ پھر روم پر آ پہنچتی ہے، جو تاریخ کا وہ مرحلہ ہے جب وہ بادشاہ "جس کا حق ہے" صلیب پر اُس مملکت کے قائم کیے جانے کے وقت، فضل کی بادشاہی کا تاج حاصل کرے گا۔

»برای آن "رئیس شریر بی حرمتی ورز" روز حسابرسی نہایی فرا رسیده بود۔ خداوند فرمان داد: "دستار را بردار، و تاج را از سر بردار۔" تا زمانی کہ خود مسیح پادشاہی خویش را برپا سازد، یہودا دیگر اجازہ نمی یافت پادشاہی داشتہ باشد۔ دربارہ تخت خاندان داود، فرمان الہی چنین بود: "آن را واژگون خواہم کرد، واژگون خواہم کرد، واژگون خواہم کرد؛" و دیگر نخواہد بود، تا آن کہ آن کسی بیاید کہ حق از آن اوست؛ و آن را بہ او خواہم داد۔" حزقیال ۲۱:۲۵-۲۷۔ انبیا و پادشاہان، ۴۵۱۔

در زمان باران آخر، کہ ہنگامی آغاز شد کہ داوری زندگان در ۹/۱۱ آغاز گردید، مسیح پادشاہی جلال خویش را برپا می سازد۔

»ہنگامی کہ آن چہار فرشتہ رہا کنند، مسیح پادشاہی خود را برقرار خواہد ساخت۔» Spalding and Magan, 3

د چمتووالي يوه دوره د ۹/۱۱ څخه پيلېږي، او د يكشنبې د قانون په وخت كې د جلاله ناك سپېڅلي غر له ټولو غونډيو او غرونو څخه پورته لوړ كړل كېږي۔

وہ کلام جو یسعیاہ بن آموص نے یہوداہ اور یروشلم کے حق میں رؤیا میں دیکھا۔ اور آخری ایام میں یوں ہوگا کہ خداوند کے گھر کا پہاڑ پہاڑوں کی چوٹی پر قائم کیا جائے گا اور ٹیلوں سے بلند ہوگا؛ اور سب قومیں اس کی طرف رواں ہوں گی۔ اور بہت سے لوگ جائیں گے اور کہیں گے، آؤ، ہم خداوند کے پہاڑ پر، یعقوب کے خدا کے گھر کو چڑھیں؛ اور وہ ہمیں اپنی راہوں کی تعلیم دے گا، اور ہم اس کے راستوں پر چلیں گے؛ کیونکہ شریعت صیون سے صادر ہوگی، اور خداوند کا کلام یروشلم سے۔ یسعیاہ 2:1-3۔

در ۱۱ سپتامبر، بادھا رہا شدند و سپس بازداشتہ گردیدند؛ و بدین سان آغاز برپایی پادشاہی دانیال دو رقم خورد، همان پادشاہی ای کہ بہ صورت سنگی بریدہ شدہ از کوہ تصویر شدہ است کہ تمامی زمین را پر می سازد۔

«این رؤیا در سال ۱۸۴۷ داده شد، در زمانی که تنها شمار بسیار اندکی از برادران ادونتئیست سبت را نگاه می‌داشتند، و از میان ایشان نیز فقط معدودی بر این باور بودند که رعایت آن از چنان اهمیتی برخوردار است که خط تمایزی میان قوم خدا و بی‌ایمانان ترسیم کند. اکنون تحقق آن رؤیا آغاز شده است که دیده شود. «آغاز آن زمان تنگی» که در اینجا از آن یاد شده است، اشاره به زمانی ندارد که بلاها شروع به ریخته شدن خواهند کرد، بلکه به دوره‌ای کوتاه درست پیش از ریخته شدن آنها مربوط می‌شود، در حالی که مسیح در قدس است. در آن زمان، هنگامی که کار نجات به پایان خود نزدیک می‌شود، تنگی بر زمین فرود خواهد آمد، و امت‌ها خشمگین خواهند شد، اما مهار خواهند گردید تا مانع کار فرشته سوم نشوند. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی بخشی از حضور خداوند، خواهد آمد تا به آواز بلند فرشته سوم قدرت بخشد و مقدسان را برای ایستادگی در دوره‌ای آماده سازد که در آن هفت بلای آخر ریخته خواهد شد.» Early Writings, 85

مسیح در زمان باران آخر، پادشاهی جاودانی خویش را برپا می‌سازد، و پادشاهی او شامل پادشاهی فیض است که بر صلیب تأسیس شد، و نیز پادشاهی جلال او در قانون یکشنبه. از صدقیا تا بابل (پادشاهی اول)، تا ماد و فارس (پادشاهی دوم)، تا یونان (پادشاهی سوم)، و سپس تا روم بت‌پرست (پادشاهی چهارم)، تاریخ منتهی به پادشاهی فیض را مشخص می‌سازد. آن تاریخ، توالی تاریخی موازی‌ای را مشخص می‌کند: از روم پاپی (بابل روحانی، پادشاهی پنجم)، تا ایالات متحده (ماد و فارس روحانی، پادشاهی ششم)، تا سازمان ملل متحد (یونان روحانی، پادشاهی هفتم)، و سپس تا اتحاد سه‌گانه اژدها، وحش و نبی کاذب، که مجموعاً روم جدید را تشکیل می‌دهند (روم روحانی، پادشاهی هشتم که از آن هفت است).

پیروزی آن پادشاهی در دانیال دو به‌وسیلهٔ صخره‌ای نمایانده شده است، و وفاداران خدا سنگ‌ها در هیکل‌اند.

شما نیز، همچون سنگ‌های زنده، بنایی روحانی ساخته می‌شوید، کهانت مقدس، تا قربانی‌های روحانی را که به‌واسطهٔ عیسی مسیح مقبول خداست، تقدیم کنید. ۱ پطرس ۲:۵

آن پادشاهی جاودان بر پادشاهی‌های جهان چیره می‌شود و سراسر جهان را پر می‌سازد. در فصل چهارم حزقیال تا پایان کتاب او، همان پادشاهی به صورت هیکلی به تصویر کشیده شده است که جهان را از آب حیات سرشار می‌سازد.

این امور را در مقالهٔ بعدی پی خواهیم گرفت.